

معنویت، عدالت و عقلانیت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

حمید بایرامی*

چکیده

اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) متأثر از عقاید و شناخت ایشان در حوزه‌های فقهی، کلامی، عرفانی و فلسفی با هویتی اسلامی می‌باشد. این اندیشه که از جامعیت و انسجام منطقی برخوردار بوده و توانسته به شکل دهی و پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس و تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی منتهی شود، می‌تواند همچنان شاخص مناسبی برای ارزیابی درستی مسیر حرکت و کنش‌ها و اقدامات امروز باشد. از این حیث شناخت مفهوم عدالت و رابطه آن با معنویت و عقلانیت ضرورت دارد. پژوهش حاضر دنبال پاسخ به این سوال است که معنویت، عدالت و عقلانیت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چه رابطه‌ای دارد؟ در این تحقیق تلاش شده با بررسی آراء، نظرات، تالیفات و بیانات امام خمینی (ره) به رابطه معنویت و عدالت و عقلانیت در اندیشه سیاسی ایشان پی برده و کشف معنا کنیم. از مسائل اصلی اندیشه عدالت ایشان، رابطه آن با معنویت و عقلانیت است. لذا با توجه به بیانات و مکتوبات و آراء و نظرات ایشان سعی شده است به صورت منطقی و روشمند به ابعاد و حدود و ثغور رابطه بین معنویت و عدالت و عقلانیت در محورهای مختلف از جمله: عدالت ذیل ارزش توحید، عدل الهی و تکوینی، عدالت فردی و اجتماعی و سعادت ذیل عدالت و تزکیه نفس و تشکیل حکومت جهت استقرار عدالت بررسی و تبیین و تشریح شود.

واژه‌های کلیدی: عدالت، معنویت، عقلانیت، اندیشه سیاسی، امام خمینی (ره).

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

مبانی فکری و اسلامی نظام جمهوری اسلامی را باید در اندیشه‌های حضرت امام جستجو کرد. امام خمینی (ره) به عنوان معمار کبیر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از جمله رهبرانی هستند که هم در قامت ایدئولوگ انقلاب و نظام و هم در قامت رهبری نظام‌ساز ظاهر شدند. از این‌روست که نظام مقدس جمهوری اسلامی با مجموعه اصول و نهادهای آن، میراث و تجلی عینی اندیشه ایشان است. یکی از مهم‌ترین مفاهیم کلیدی اندیشه‌های امام خمینی (ره)، مفهوم عدالت می‌باشد. امام خمینی به عنوان فقیه عالی‌قدر و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، اساس کار خود را اسلام قرار داد و در همه عرصه‌ها، بر موازین و اصول اسلام جامه عمل پوشانید. یکی از برجسته‌ترین اصولی که ایشان در همه عرصه‌ها، به ویژه سیاست و حکومت تحقق بخشید، اصل رعایت اعتدال بود. لذا برای فهم صحیح مفاهیمی همچون عدالت باید به اندیشه‌های ایشان رجوع کرد تا نسبت این مفهوم با چارچوب اندیشه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی مشخص گردد. امام خمینی (ره) با همین اندیشه، انقلاب عظیم اسلامی را پایه‌گذاری کرد و در مخوف‌ترین شرایط حاکمیت طاغوت، تحت ولایت الهی به قیام علیه طاغوت برخاست و با اندیشه عدالت و آزادی از سلطه طاغوت و مستبدان ستمگر و از طریق آگاهی بخشی به توده‌های جامعه و ایجاد وحدت سیاسی و اجتماعی میان آحاد مردم با کمک آنها توانست حکومت طاغوتی پهلوی را سرنگون کند و زمینه را برای ایجاد یک جامعه توحیدی فراهم آورد. ضروری به نظر می‌رسد تا با رجوع به مفهوم عدالت در آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، معنای این مفهوم نزد ایشان و رابطه آن با معنویت و عقلانیت روشن‌تر گردد. لذا هدف پژوهشگر در مقاله حاضر این است تا رابطه معنویت و عدالت و عقلانیت در اندیشه و سیره عملی امام خمینی (ره) مورد بررسی و تبیین قرار بگیرد.

عدالت از منظر امام خمینی (ره)

نظریه‌های سیاسی پاسخی به مقتضیات و شرایط زمانی هستند، هر چند رنگ و بوی غیر زمانی دارند و به گونه‌ای مطرح می‌شوند که کم و بیش قابل انطباق در هر زمان یا مکان باشند.

امام (ره) نظریه‌های سیاسی خود را بر پایه معرفت شناسانه بنا نهاده‌اند که به زعم او همه چیز از شناخت و معرفت آغاز می‌گردد، اما برای حصول معرفت، ابتدا باید انکار را رها کرد.

امام در تفسیر سوره حمد می‌فرماید:

« ما باید باورمان بیاید این معنا، این اول مرتبه‌ای است که انسان به خودش یک حرکتی می‌خواهد بدهد؛ اول این است که انکار نکند... همه مصیبت‌های بشر هم از این است که واقعیت را که نمی‌تواند ادراک کند، جهود می‌کند؛ نمی‌تواند برسد به آنکه اولیای خدا رسیده‌اند، جهود می‌کند^۱... و من امیدوارم که ما این حجاب جحود را از قلب‌هایمان برداریم»^۲.

به نظر امام رهایی از انکار و جحود، اولین گام است، برای ورود به حقایق و ادراک آنها. گام دیگر ورود در معرفت و شناخت حقیقت عبور از (حجاب علم^۳) یا (پرده دانش و معرفت) است، پس این حجاب نیز باید برداشته شود. حرکت امام خمینی در جهت احیای فلسفه و عرفان در حوزه‌های علمیه به همین منظور بود.

گام بعدی این است که انسان خود را باور کند، خود را دریابد و بداند که می‌تواند آنچه که می‌خواهد و اراده می‌کند، باشد و اینکه باور انسان بنیان تمام امور را در

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۱۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۰، تفسیر سوره حمد، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۱۷۳.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۱۴۲، ۱۴۳.

زمینه‌های فردی و اجتماعی تشکیل می‌دهد. اگر انسان خود را باور کند و بداند که چیست و چه جایگاهی دارد، می‌تواند آنچه که می‌خواهد باشد.

«اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود، انسان اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان تمام امور است».^۱

اگر انسان این سه گام را برداشت می‌تواند حقایق را دریابد و بشناسد و به سوی آنها گام بردارد، ولی حرکت اساسی و ضروری در این میدان بازگشت به خود است. از دید امام انسان باید به حقیقت خویش یعنی به فطرت الهی خویش رجوع کند.^۲

برای درک حقایق و بازگشت به خویشتن نیز اولین قدم، قیام برای الله و پرهیز از قیام برای نفس است. به تعبیر دیگر اولین گام و حتی مقدمه حرکت و سلوک در مسیر حق، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی و سیاسی، قیام برای خداست. او تاکید می‌کند برای رهایی از بحران‌ها باید بیدار شد و قیام کرد و این بیداری و این قیام باید الهی باشد تا به ثمر برسد. در تفسیر سوره حمد تاکید می‌کند:

«اول قدم این است که از این بیت بنا بگذارید خارج شوید. اول قدم این است که انسان قیام کند. قیام الله بیدار بشود، خواب نباشد».^۳

قیام برای خدا دو بعد است:

۱- بعد فردی که در آن بیداری فرد و به خود آمدن، درک خویشتن و حرکت در مسیر فطرت الهی خویش می‌گنجد.

۲- بعد سیاسی و اجتماعی است؛ یعنی قیام در برابر ظلم و ستم و بی‌عدالتی و تلاش در جهت برپایی عدالت در زمین می‌باشد.

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۱۰۷-۱۱۰.

۲. امام خمینی (ره)، کتاب شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۱۸۴.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۱۲۸.

این دو بعد قیام که راهگشای حرکت صحیح جامعه انسانی و رهایی از وابستگی‌ها، متعلقات و مشکلات جاری است. سیر حقیقی پیشوایان الهی و پیامبران و تمامی انسان‌های وارسته در طول تاریخ بوده است. چه آن «در قیام به همه قوا علیه حکومت‌های طاغوتی و فرعون‌های زمان بوده و در اجرای عدالت در جهان رنج‌ها برده و کوشش‌ها کرده‌اند».^۱

این سیره خود درسی است برای ما که بپاخیزیم و حرکت خود را در جهت تحقق عدالت آغاز کنیم و در این مسیر نه انزوای عارفانه دلیل حرکت است و نه ورود به جامعه و تشکیل حکومت دلیل لغزیدن در دام دنیا و دنیاگرایی؛ بلکه اساس را انگیزه و قصد و نیت تشکیل می‌دهد. او در نامه‌ای به فرزندش این گونه می‌نگارد:

«پسرم نه گوشه‌گیری صوفیانه دلیل پیوستن به حق است و نه ورود در جامعه و تشکیل حکومت شاهد گسستن از حق. میزان در اعمال، انگیزه‌های آنها است، چه بسا عابدی و زاهدی که گرفتار دام ابلیسی است و چه بسا متصدی امور حکومت که با انگیزه الهی به معدن قرب نایل می‌شود. هر قدر انگیزه‌ها به نور فطرت نزدیکتر باشند و از حجب حتی حجب نور وارسته تر، به مبدا نور وابسته ترند... میزان در اول سیر قیام الله است، هم در کارهای شخصی و انفرادی و هم در فعالیت‌های اجتماعی».^۲

جایگاه عدالت در اندیشه امام ذیل ارزش توحید

بحث از عدالت، بحث از ارزش است. عدالت یک ارزش است که گاه در مقام فرد و گاه در مقام اجتماع طرح می‌شود؛ اما ارزش‌ها می‌توانند ثابت یا متغیر باشند. این ثابت یا متغیر بودن را از چه زاویه‌ای می‌توان بررسی کرد؟ حضرت امام در این باره می‌فرمایند: باید توجه داشت که

۱. محمدحسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۴.

۲. محمد حسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی ره و شهید صدر، ص ۱۵-۱۸.

ارزش‌ها در عالم دو قسم است. یک قسم، ارزش‌های معنوی، از قبیل ارزش توحید و جهاد مربوط به الوهیت و از قبیل عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومت‌ها با ملت‌ها و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت‌ها و امثال این‌ها که در صدر اسلام یا قبل از اسلام از آن وقتی که انبیاء مبعوث شدند، وجود داشته و قابل تغییر نیست. عدالت معنایی نیست که تغییر بکند؛ یک وقت صحیح و زمانی غیر صحیح باشد. ارزش‌های معنوی ارزش‌های همیشگی هستند که قبل از صنعتی شدن کشورها، ضمن و بعداً در آن نیز وجود داشته و دارد. عدالت ارتباطی به این امور ندارد.

قسم دیگر اموری است مادی که به مقتضای زمان فرق می‌کند، در زمان سابق یک‌طور بوده است و بعد رو به ترقی رفته است تا به مرحله کنونی رسیده است و بعد از این هم بالاتر خواهد رفت. آنچه میزان حکومت و مربوط به اجتماع و سیاست است؛ ارزش‌های معنوی است.^۱

علت آن که ارزش‌های معنوی، ارزش‌هایی همیشگی هستند، عدم تعلق آنها به زمان و عالم ماده است؛ به عبارت دیگر به دلیل اتصال عدالت به عوالم دیگر وجود، این ارزش دیگر تابع زمان نخواهد بود و همیشگی است. از این‌رو عدالت، یک ارزش مطلق به شمار می‌رود. پس ارزش‌های معنوی همیشگی هستند و به تناسب تغییرات ظرف زمینی، در اصل خود تغییر نخواهند کرد. در عین این‌که به وجود ارزش‌های مادی و معنوی قائلیم اما به جهت آنکه اصل و اساس برای انسان، عبودیت و طی طریق در مسیر بندگی خداوند است، ارزش‌های معنوی معیار و میزان حکومت، اجتماع و سیاست هستند و عدالت اجتماعی نیز از زمره ارزش‌های معنوی به شمار می‌رود. به بیان دیگر عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) به مثابه‌ی پلی بین زمین و آسمان که همان توحید است، می‌باشد.

۱. امام خمینی ره، صحیفه نور، جلد ۱۱، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، ص ۳.

تعالی در نگاه امام (ره)، به سمت توحید است. حضرت امام در این باره می‌فرمایند:

«تمام تشکیلاتی که در اسلام از صدر اسلام تا حالا بوده است و تمام چیزهایی که انبیاء از صدر خلقت تا حالا داشته‌اند و اولیای اسلام تا آخر دارند، معنویات اسلام است، عرفان اسلام است، معرفت اسلام است، در راس همه امور این معنویات واقع است. تشکیل حکومت برای همین است، البته اقامه عدل است، لکن غایت نهایی معرفی خداست»^۱.

پس معنویت و معرفت الله در راس همه امور وجود است و جهت‌گیری همه چیز در نظام عالم باید بر اساس توحید و شناخت او باشد. عدالت نیز گرچه از ارزش‌های معنوی به شمار می‌رود، اما همانند سایر ارزش‌ها، تابع جهت‌گیری معنوی و توحید است و عدالت در پرتو معنویت تعریف می‌شود، به همین دلیل عدالت ذیل ارزش‌های معنوی قلمداد می‌شود. از این‌رو اساساً نمی‌توان برای عدالت شانی استقلالی از توحید در نظر گرفت و آن را در عرض توحید معرفی کرد. چرا که بسط عدالت، بسط صفت حکم عدل خداوند است. برای فهم این مطلب، باید عدالت را در مراتب عالم جستجو کرد.

مراتب عدالت در عالم در اندیشه امام خمینی (ره)

عدالت در عالم، وجود و واقعیت دارد و اساساً در هستی‌شناسی حضرت امام، نمی‌توان عدالت را امری غیرواقعی محسوب کرد. البته عدالت دارای مراتبی است که تعریف آن، متناسب با هر مرتبه متفاوت اما به هم مرتبط خواهد بود. از نگاه ایشان، عدالت عبارتست از: «استقامت بر/ در صراط مستقیم». در حقیقت به علت اعتقاد

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۲۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، صص ۲۹۸-۳۰۰.

حضرت امام به اصل «وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت»، همه‌ی کثرات عالم باید به خدای متعال برگشت کنند و مراتب عدالت نیز گرچه صادر از عالم امر هستند، اما همگی بازگشت به او دارند. به تناسب مراتب عالم و انسان، معنای استقامت نیز تبیین متفاوتی خواهد داشت که البته واگرا نیستند. این مراتب عبارتند از: عدل الهی و تکوینی و عدل انسانی که خود دو نوع است: عدل فردی و اجتماعی.

عدل الهی و تکوینی

خداوند عادل است و از او هیچ ظلمی صادر نمی‌شود. اساساً آنچه از خداوند صادر می‌شود، همه رحمت الهی است. این رحمت یا در قالب اسماء جمال و یا در قالب اسماء جلال الهی ظهور می‌یابد. امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «جور در این مقام، غلبه لطف بر قهر یا قهر بر لطف است و به عبارت دیگر، مظهریت از اسماء جلال یا مظهریت از اسماء جمال است». غلبه اسماء بر یکدیگر در پرتو حکومت اسم عدل الهی است.

عالم تکوین نیز که مخلوق اوست و صادر از او هست، در قوس نزول و ظهور کثرات، مظهریت اسماء الهی را در پرتو رحمانیت حق تجلی می‌دهند. لذا جلوات جلال و جمال الهی هستند و از آنجا که همگی این کثرات در عین وحدت می‌باشند، نظم در عوالم وجود و تکثرات و نیز عودت آن‌ها در قوس صعود به عدل تکوینی تعبیر می‌شود.

در نگاه عرفانی ایشان، عدل را باید از مدخل اسماء الهی تحلیل کرد. تجلی ذات مقدس الهی در مقام واحدیت، اسماء و صفات الهی است. یکی از اسماء الهی «عدل» است. پس اسم اعظم الله که حکومت مطلقه از آن اوست و حاکم علی الاطلاق بر همه اسماء است، با دو اسم: حاکم و عادل تجلی نمود و در میان اسماء با عدالت حکم کرد. پس امر الهی عدالت را اجرا نمود و سنت الهی که تبدیلی در آن نیست جاری گردید. به همین جهت هست که عدالت در مرتبه اخلاقی و در مرتبه

اجتماعی، حاکم بر سایر ارزش‌ها می‌باشد؛ زیرا که کارکرد عدل در مراتب مختلف، نوعی تنظیم‌گری بر عهده دارد که مستلزم حکومت عدل بر ظهورات اسماء الهی، فضایل اخلاقی و روابط اجتماعی است. پس لازم است عدل در مرتبه اخلاقی و اجتماعی نیز حاکم بر سایر ارزش‌ها باشد.

عدل انسانی دو نوع است: عدالت فردی و عدالت اجتماعی

انسان نیز که مخلوق خداوند است با همه‌ی تفاوت‌ها و شرافت‌ها، باید قوس صعود خویش را طی کند و البته در این مسیر با عقل و اراده متمایز گشته است. هدف توحید است و عدالت در مقام انسانی، سیر انسان کامل از نقطه نقص عبودیت تا کمال عز ربوبیت، رعایت حد وسط و حرکت بر خط مستقیم و معتدل که همان صراط مستقیم است، تعریف می‌شود.

سیر عبودیت انسان، در مراتب مختلف انسانی تعریف می‌شود و حالت قیام و استقامت در این سیر را عدالت گویند. حضرت امام می‌فرمایند: «عدل مطلق، مستقیم به همه معنی است»^۱ و این حالت قیام بر صراط مستقیم در حالتی از خوف و رجاء برای تحفظ و اجتناب از افراط و تفریط است. چنانکه حضرت امام، در بیان اسرار قیام در سرالصلوه خویش، قیام را مظهر استقامت به مقام انسانیت بیان کرده‌اند و استقامت عبارتست از همان عدالت و اعتدال نفسانی.^۲

انسان باید به قرب و فناء الهی و بقاء فی فناء نائل شود و این هدف، مسیری جز صراط مستقیم ندارد. «غایت تربیت، حرکت در صراط مستقیم است و منتها الیه این صراط

۱. امام خمینی (ره)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷؛ امام خمینی، شرح دعای سحر، ترجمه احمد فهری، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۰۲.
۲. امام خمینی (ره)، سرالصلاه معراج السالکین و صلوه العارفين، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۷۲.

مستقیم، کمال مطلق است، الله است. دعوت شده است که ما تحت تربیت انبیا برویم و تحت تربیت بزرگان از اولیاء واقع بشویم تا آن‌ها ما را هدایت کنند به راه مستقیم»^۱.

بیان شد که عدالت انسانی، بر دو نوع است: فردی و اجتماعی. اینکه صراط مستقیم برای انسان هم در مقام فردی و هم در مقام اجتماعی، متعلق عدالت می‌شود، اشعار به آن دارد که تعالی فرد و اجتماع، در هم تنیده هستند. چنانکه بیان خواهد شد، عدالت فردی، تزکیه و تقوا در یک مرحله، مقدمه اقامه عدالت اجتماعی هستند و در مرحله دیگر، اقامه عدالت اجتماعی در جهت تحقق مراتب دیگری از عدالت و معنویت لازم می‌آید. این رفت و برگشت میان فرد و جامعه، نشان از گره خوردن سعادت فرد و جمع و لزوم عبور فرد از دل جامعه را دارد به طریقی که سعادتش در پرتو سعادت جمع، تقویت می‌شود.

عدالت فردی^۲ بر چهار قسم قابل احصا است که به اختصار توضیح می‌دهیم:

۱- در مظهریت اسماء و صفات و تحقق آن که استقامت مطلقه است: این مقام، مقام انسان کامل است که به حیث استظلالی نسبت به حیثیت استقلالی ربّ، بر صراط مستقیم است. تعادل در غلبه مظهریت اسماء الهی، موضوع این مرتبه است.

۲- در جلوه معارف الهیه و جلوات توحید در قلب اهل معرفت: عدل در این مرتبه عبارتست از احتجاب از حق به خلق و از خلق به حق در قلب کامل اولیاء الله و به عبارت دیگر، رویت وحدت در کثرت و کثرت در وحدت.

۳- در حقایق و عقاید ایمانیه: شناخت وجود آن چنان که هست در مرتبه اعتقادات، همان عدالت است.

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴.
 ۲. امام خمینی (ره)، شرح جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸، صص ۱۴۷-۱۴۹.

۴- در اخلاق نفسانیه: تعادل قوای نفسانی در مرتبه نفس و خلق انسانی را عدالت گویند. عدل در این مقام، به منزله جنس قواست. هر چینش مستمری از قوا که منجر به نوعی خلق شده و ملکه می‌شود، صرفاً در یک حالت از میان همه حالات چینش قوا، منجر به ملکه اخلاقی عدل می‌شود.

عدالت اجتماعی: محیط سالم و صحیح برای شکوفایی‌ها و عبودیت. در این عرصه عدالت چیزی جز اقامه حق نیست که از یک طرف امکان تعالی اخلاقی و معرفتی انسان را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر بر کیفیت و عمق این تعالی موثر است؛ به عبارت دیگر عدل در مقام اجتماع، به مثابه ظرف مناسب مظهر است. بدون این ظرف، امکان تحقق تام سایر ارزش‌های اجتماعی وجود ندارد و حرکت جمعی متکامل بشری، دچار نقص خواهد بود. نظم و نظام اجتماعی متناسب برای رشد انسان مهذب، تعریف عدالت در مقام اجتماع است. در این صورت اقتضای حضور انبیاء الهی تحقق پیدا می‌کند.

جایگاه انبیاء و اولیاء الهی در تحقق عدالت در اندیشه امام خمینی (ره)

معرفت به این نظم، اقتضای حضور انبیاء الهی را دارد که ضمن عصمت در دریافت و ابلاغ، معرفت به پیام و ظرفیت رهبری اجتماع برای تحقق آن پیام را دارا هستند. انبیاء آمده‌اند که صورت دین را (صورت عدل الهی) به مردم تحمیل کنند و از دل این صورت به سمت باطن عالم ارشاد کنند. آن باطنی که قرار است به سمت آن طی طریق شود، همان توحید است، لذا در عدالت اجتماعی، جهت به سمت توحید است و همه چیز بر اساس این توحید تفسیر و معنا می‌شود؛ اما اینکه مسیر چیست؟ و چگونه باید پیمود نیز توسط خود دین و به تبع ذیل هدایت عالمان به دین، فهم و اقامه می‌شود. حضرت امام در این باره می‌فرمایند:

«امروز مطلب مهم است. از مهماتی است که جان باید پایش داد. همان مهمی است که سید الشهداء جانش را داد برایش، همان مهمی است که پیغمبر اسلام بیست

و سه سال زحمت برایش کشید، همان مهمی است که حضرت امیر علیه السلام هجده ماه با معاویه جنگ کرد در صورتی که معاویه دعوی اسلام می کرد... برای اینکه يك سلطان جائز بود، برای اینکه يك دستگاه جائز بود، باید به زمینش بزند. آن قدر از اصحاب بزرگوارش را به کشتن داد، آن قدر از آنها را هم کشت؛ برای چه؟ برای اینکه اقامه حق بکند، اقامه عدل بکند.^۱

سعادت تابع عدالت در اندیشه امام خمینی (ره)

در نگرش امام (ره)، ابعاد سیاسی و اجتماعی و ابعاد عقیدتی و ایمانی و اخلاق و سلوک به ویژه سلوک عرفانی و مکارم عالی اخلاقی جایگاهی بسیار والا را می یابد. لذا سعادت در نگاه او سعادت اخلاقی و معنوی و تابع عمل و کسب انسان است.

«ثم انّ السعاده والشقاوه بالمعنى المتقدم امران يحصلان للانسان. حسب عمله و كسبه».^۲

این است که در پیمودن راه عدل و رسیدن به سعادت، خشیت و تقوای الهی، نیت صادقه، انگیزه الهی، حضور قلب، اخلاص در اعمال، اقبال قلب و پیمودن سلوک معنوی، نقش اولیه و اساسی دارد. به عنوان نمونه حضرت امام در باب خشیت و تقوا و نیت صادقه فرموده اند:

«پس خشیت از حق را که موثر تام در تقوای نفوس هست، یکی از عوامل بزرگ اصلاح نفوس و دخیل در اصابه اعمال و حسن و کمال آنها باید شمرد، زیرا که تقوا علاوه بر آنکه خود یمی از مصلحات نفس است، موثر در تاثیر اعمال قلبیه و قالبیه انسان و موجب قبولی آنها نیز هست. چنانچه خدای تعالی فرماید: انّما یتقبّل الله من المتّقین (مانده- ۲۷) خداوند از پرهیزگاران قبول می کند و بس و دوم عامل بزرگ در

۱. امام خمینی ره، صحیفه نور، جلد ۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، ص ۳۳.

۲. محمدحسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، ص ۱۳۷؛ امام خمینی، کتاب عدل الهی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۹۲ ص ۹۲.

اصابه و کمال اعمال که فی الحقیقه به منزله قوه فاعله است... نیت صادقه و اراده خالصه است که کمال و نقص و صحت و فساد عبارات کاملاً تابع آن است»^۱.

تزکیه نفس در تحقق عدالت در اندیشه امام خمینی (ره)

امام خمینی بر تزکیه نفس و تحقق عدالت در آن یعنی جهاد اکبر تأکیدی خاص دارد چون همه گرفتاری‌ها و مشکلات بشر را از مسائلی چون قیام برای منافع شخصی، منفعت طلبی، انانیت، خودخواهی و حبّ نفس و حبّ دنیا می‌داند. پس جهاد اکبر و تحقق عدالت در نفس مقدم بر سایر جهادهاست. ابتدا باید از خود شروع کرد چه تا زمانی که توجه به خود وجود دارد، همه چیز را برای خود می‌خواهد و اساس مشکلات همین توجه به خود و خودخواهی است.

«وقتی که ایمان نباشد و همه توجه انسان به خودش باشد و هر چیز را برای خودش بخواهد هیاهو از اینجا برپا می‌شود... این جنگ‌ها بین انانیت‌هاست... اگر همه اولیا در یک جایی جمع بشوند، هیچ وقت باهم جنگ نمی‌کنند، اصلاً مخالفت با هم پیدا نمی‌کنند برای اینکه همه برای خداست... همه برای یک مبدا است، برای یک جهت است».

از دید امام خمینی با چنین حرکتی می‌توان به تحقق مهم‌ترین مسأله یعنی عدالت و اعتدال، دست یافت، از زیاده روی و تفریط در امور پرهیز و در چارچوب موازین عقل و شرع حرکت کرد و بدین سان به سعادت راستین نائل آمد. ارسال پیامبران الهی و فرود آمدن تمامی کتاب‌های آسمانی نیز به همین منظور بوده است.

«انبیاء علیهم‌السلام آمدند، قانون‌ها آوردند و کتاب‌های آسمانی بر آنها نازل شد، جلوگیری از اطلاق و زیاده روی طبیعت‌کنند و نفس انسانی را تحت قانون عقل و شرع درآوردند

۱. محمدحسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، ص ۴۴۳ به نقل از امام خمینی، کتاب عدل الهی، ص ۱۹۱.

و آن را مرتاض و مودب کنند که خارج از میزان عقل و شرع رفتار نکنند، پس هر نفسی که با قوانین الهیه و موازین عقلیه ملکات خود را تطبیق کرد، سعید است و از اهل نجات می باشد»^۱.

از دید امام جهت استقرار عدالت در بعد اجتماعی و تحقق فضیلت راستین و نجات جامعه، یعنی رسیدن به عدالت در تمام شئون آن، در مرحله اول ساختن انسان عادل و درست کردن انسان است یعنی افراد ظالم به افراد عادل تبدیل شوند:

«اقامه عدل، همین درست کردن انسان هاست. عدل یک چیزی نیست الا آنکه از انسان صادر می شود؛ ظلم هم آنست که از انسان صادر می شود. اقامه عدل متحول کردن ظالم به عادل است. متحول کردن مشرک به مومن است. نبی متحول می کند یک موجودی را که اگر رهایش بکنند به هاویه می رود و به جهنم منتهی می شود؛ به یک موجودی که راه را به او می نمایند که این راه است»^۲.

به طور خلاصه اگر بخواهیم نیت و قصد امام خمینی را از ارائه مباحث اخلاقی و تربیت نفوس و انسان عادل را بیان کنیم، شاید بتوان از کلمه کادر سازی برای آن نام برد که امام خمینی (ره) با بیان نکات اخلاقی و عرفانی قصد تربیت کادر و نیروی انسانی عادل برای تحقق اجتماعی بر مبنای عدالت را داشتند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. محمدحسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، ص ۴۴۴ به نقل از امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۷.

۲. محمدحسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، ص ۴۴۴-۴۴۵ به نقل از امام خمینی (ره)، تفسیر سوره حمد، ص ۱۲۹.

عدالت اجتماعی

هر چند امام خمینی (ره) در آثار و بیانات خود به ارائه مفهوم خاصی از عدالت اجتماعی یا بعد اجتماعی آن پرداخته است^۱، ولی نگرش و توجهی که به مساله قسط و عدالت در جامعه و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی آن داشته، بیانگر این امر است که عدالت را نه صرفاً ملکه یا فضیلتی فردی بلکه خصلت و حالتی اجتماعی می‌دانند. در این نگرش، عدالت، خصلت و ویژگی قوانین سیاسی و اجتماعی و نیز ویژگی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و مهمتر از آن، خصلت و ویژگی جامعه انسانی است به عنوان مثال یکی از مهم‌ترین و شاید ویژگی اصلی حکومت جمهوری اسلامی را تحقق عدالت می‌داند.

«در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست... در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد، مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند... عدالت الهی سایه می‌افکند»^۲.

همچنین، از دید امام خمینی احکام دین و کلیت دانش فقه و موضوع آن در جهت تحقق عدالت است؛ زیرا احکام همگی اموری ابزاری و وسیله تحقق عدالت در جامعه است.

«احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شانی از شئون حکومت می‌باشند، بلکه احکام، مطلوب بالعرض و اموری ابزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت»^۳.

۱. محمدحسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر ص ۴۶۸ به نقل از کتاب کاظم قاضی زاده، با همکاری سعید ضیایی فر، اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۷، ص ۲۸۹.

۲. محمدحسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر ص ۴۶۸ به نقل از امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۶، ص ۵۲۵.

۳. محمدحسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، ص ۴۶۹ به نقل از امام خمینی کتاب البیع، قم، انتشارات اسماعیلیان، بی تا، پنج جلدی، جلد ۲، ص ۴۷۲.

از سوی دیگر، باید دانست که در نگاه او در جامعه مبتنی بر توحید، عدل الهی منشا تمام امور خواهد بود، بنابراین عدالت در جامعه منتج از عدل الهی و توحید است، چه به زعم ایشان در جامعه توحیدی، همه امتیارات لغو می‌شود و تقوا ملاک امور خواهد بود، در چنین جامعه‌ای «زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است و ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است»^۱.

بر همین اساس می‌توان استنباط کرد که امام خمینی (ره) معتقد است که عدل الهی - به طور نسبی - می‌تواند در جامعه تحقق یابد و انسان‌ها می‌توانند بر اساس آن به تحقق نوعی از عدالت در جامعه، از طریق تشکیل حکومت و ایجاد نظامات سیاسی، اقدام نمایند.

«البته بسط عدالت همان بسط صفت حق تعالی است، برای اشخاصی که چشم دارند بحث عدالت هم می‌دهند، عدالت اجتماعی هم به دست آنهاست، حکومت هم تاسیس می‌کنند، حکومتی که حکومت عادلانه باشد»^۲.

نگاهی به آثار امام خمینی (ره) و کثرت کاربرد واژه عدل و مشتقات آن در آنها نشان دهنده اهمیت بعد اجتماعی عدالت در نزد ایشان است و به عنوان نمونه در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام، ۴۷۱ مورد واژه عدالت اجتماعی، ۳۸۲ مورد واژه عدل، ۱۷۳ مورد واژه عادل و ۱۵ مورد واژه قسط آمده است.

مهمتر از همه اینکه، از دید امام خمینی (ره) اسلام گونه‌ای است که قابلیت تحقق عدالت در همه ابعاد را مطرح کرده است و با شناخت آن می‌توان چنین عدالتی را در جامعه پیاده نمود؛ بعلاوه، آنچه اسلام در مورد عدالت آورده «به طور عاقلانه و قابل

۱. محمدحسین جمشیدی، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، ص ۴۶۹ به نقل از امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۵، ص ۸۱.

۲. همان، ص ۱۷۴.

عمل و عینیت... به طور کامل»^۱ است؛ بنابراین امام بر اسلامی نظر دارد که عدالت محور و اساس آن است.

«عدالت اسلامی را می خواهیم در این مملکت برقرار کنیم، یک همچو اسلامی که در آن عدالت باشد، اسلامی که در آن هیچ ظلم نباشد، اسلامی که شخص اول با آن فرد آخر همه علی السواء در مقابل قانون باشند»^۲.

بر این اساس اگر در جامعه ای تساوی در برابر قوانین وجود داشته باشد و جایی برای تبعیض و دوگانگی باقی نمانده باشد و همه اقشار جامعه به حقوق خود رسیده باشند، می توان آن جامعه را متصف به عدالت دانست؛ بنابراین از دید امام خمینی، عدالت منحصر به قوه قضائیه یا افراد انسانی نیست بلکه به تمامی نهادهای اجتماعی مربوط می شود.

«عمل به عدل اسلام مخصوص به قوه قضائیه و متعلقات آن نیست که در سایر ارگانهای نظام جمهوری اسلامی ایران از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران، کمیته ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است»^۳.

به طور کلی و با توجه به نگرش امام خمینی به موضوع عدالت اجتماعی، سه خصوصیت می توان برای آن نام برد، عدالت، حقیقت اجتماعی و صفت نهادهای آن است - عدالت، طریقه و مشی اجتماعی و سیاسی - عدالت، هدف اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی است. بدین سبب قصد و نیت امام خمینی در بیان ابعاد مختلف عدالت اجتماعی با توضیحاتی که ارائه شد را شاید بتوان در کلمه استقرار حکومت اسلامی جای داد و با توجه به این فرمایش امام که فرموده اند:

۱. همان، جلد ۳، ص ۳۲۳.

۲. همان، جلد ۹، ص ۴۲۵.

۳. همان، جلد ۱۷، ص ۱۴۰.

«بعد از تسلیم شدن شهوت و غضب به مقام عدل و شرع، عدالت در مملکت بروز کند و حکومت عادلانه حقه تشکیل شود که کارکن در آن و حکمفرمای در آن، حق و قوانین حقه باشد»^۱.

بعد از آنکه در انسان ها صفت عدالت بروز پیدا کرد به تبع آن جامعه هم عادل خواهد گشت و صفت عدالت در جامعه بروز خواهد کرد و جامعه ظالم به جامعه عادل تبدیل خواهد شد.

«اقامه عدل همین درست کردن انسانهاست، عدل یک چیزی نیست الا آنکه از انسان صادر می شود. اقامه عدل متحول کردن ظالم به عادل است، متحول کردن مشرک به مومن است»^۲.

از نگاه امام تربیت انسان و ساخته شدن او مقدمه‌ای برای اصلاح جوامع و جهان هستی است، چه آنکه همه فسادهای عالم نتیجه فقدان تهذیب انسان است. پس با ساخته شدن انسانها همه امور به صلاح می آید و عالم اصلاح می گردد.

فرد، جامعه و حکومتی که قوه عاقله بر آن حاکم است در تعادل بین معنویت و عدالت اخص قرار دارد که این تعادل همان عدالت اعم اجتماعی است و در آن، معنویت در کنار مبارزه تعریف می شود. از این مسیر، ضرورت وجود حکومت و عنصر جهاد توجیه می شود. امام خمینی می فرماید:

«قرآن دعوت به معنویات تا حدی که بشر می تواند به او برسد و فوق او کرده و بعد هم اقامه عدل. پیغمبر هم و سایر کسانی که لسان وحی بودند، آنها هم این دو رویه را داشتند. خود پیغمبر هم عملش اینطور بود تا آن روزی که حکومت تشکیل نداده بود، معنویات را تقویت می کرد. به مجرد اینکه توانست حکومت تشکیل بدهد علاوه

۱. امام خمینی (ره)، کتاب شرح چهل حدیث، ص ۱۶۹.

۲. امام خمینی (ره)، تفسیر سوره حمد، ص ۱۲۹.

بر معنویات، اقامه عدل کرد، حکومت تشکیل داد و این مستمندان را از زیر بار ستمگران تا آن قدر که اقتضا داشت، نجات داد؛ و این سیره مستمره انبیاء، باید کسانی که خودشان را تابع انبیاء می دانند، این سیره مستمره باقی باشد. هم جهات معنوی که اشخاصی که با معنویات آشنا هستند، آن ها باید تقویت بکنند و همه ی مردم را، خود مردم هم همینطور، جهات معنویات را تقویت بکنند و هم آن مسئله دوم که اقامه عدل است. حکومت اسلام باید اقامه عدل بکند، در عین حالی که معنویات را تصحیح می کند و ترویج می کند؛ و ما اگر تابع اسلام هستیم و تابع انبیاء هستیم این سیره مستمره انبیاء بوده است و اگر هم فرض کنید انبیاء بیایند، باز همین است، باز جهات معنوی بشر تا آن اندازه ای که بشر لایق است و ادامه اقامه عدل در بین بشر و کوتاه کردن دست ستمکاران؛ و ما باید این دو امر را تقویت کنیم»^۱.

بنابر فرمایشات حضرت امام (ره) رابطه عدالت فردی و عدالت اجتماعی، روشن می گردد. ایشان تحقق عدالت اجتماعی را در تحقق عدالت فردی و بالعکس می دانند. در این قسمت به رابطه عدالت فردی و اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره) خواهیم پرداخت.

رابطه عدالت فردی و اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره)

بین عدالت اجتماعی و عدالت فردی، روابطی وجود دارد. اول اینکه تحقق عدالت اجتماعی بدون تزکیه و تقوا میسر نیست. برپایی عدالت جز از انسان هایی عدالتخواه و دارای طهارت باطنی میسر نیست. چون مشکلاتی که در عدالتخواهی به دنبال رفع آن هستیم، همگی زاییده عدم تزکیه است و با دستمال کثیف نمی توان شیشه کثیف را پاک کرد. امام خمینی (ره) در این باره معتقدند:

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، ص ۵۲۹.

«تمام گرفتاری‌هایی که برای ملت‌ها هست برای این است که تزکیه در کار نبوده. چنانچه سران قوم، آن‌هایی که کشور را اداره می‌کنند، تزکیه شده بودند، نفسشان تزکیه شده بود، تربیت شده بودند، این گرفتاری‌ها برای ملت ما پیش نمی‌آمد. نه آن گرفتاری‌ها برای ملت پیش می‌آمد و نه آن گرفتاری‌ها برای خودشان.

منشا تمام این گرفتاری‌ها، در همه جا، این است که آن‌هایی که متکفل امور ملت هستند، تزکیه نشده‌اند. یک نفر آدمی که تزکیه نشده، سلطه بر یک ملت پیدا بکند، این همه گرفتاری‌هایی که در طول پنجاه و چند سال برای ملت ما پیش آمد، این همه گرفتاری‌ها را ایجاد می‌کند. آن کسی که به یک ملتی سلطه دارد، به یک ملتی حکومت دارد، این چنانچه عدالت پرور باشد، دستگاه او عدالت پرور خواهد شد، قشرهایی که به او مرتبط هستند قهرا به عدالت گرایش پیدا می‌کنند؛ تمام اداراتی که تابع آن مملکت است، تابع آن حکومت است، خواه ناخواه به عدالت گرایش پیدا می‌کند. عدالت گسترده می‌شود. در صورتی که یک نفر که به مردم حکومت می‌کند، مُزگی باشد و تزکیه شده باشد. اگر همه ملت تزکیه بشوند، همین دنیا بهشت آنهاست؛ تمام گرفتاری‌ها از بین می‌رود. از آن طرف، از باب اینکه، حکومت‌هایی که در رژیم طاغوتی بر مردم حکومت کردند، حکومت‌هایی بودند که تزکیه نشده بودند. وقتی حکومت تزکیه نشد، شخص اول یک مملکتی به حسب حکومت تزکیه نشد، اخلاقش مزگی نباشد، عقاید تزکیه شده نباشد، اعمال، اعمال مزگی نباشد، همین یک نفر یک مملکت را به هلاکت می‌کشاند... آن اشخاصی که مزگی نیستند با تزکیه شده‌ها سروکار ندارند؛ نمی‌روند سراغ اشخاص امین. آدمی که خودش امین نیست جنس خودش را طالب است؛ می‌رود سراغ اشخاصی که نظیر خودش باشند... و لهذا از حکومت‌ها سرچشمه می‌گیرد مفسد و سرچشمه می‌گیرد مصالح. حکومت

عدل، تمام مصالح کشور را تامین می‌کند و به اندازه قدرت؛ و حکومت ظلم، تمام بدبختی‌ها را برای یک ملتی ایجاد می‌کند»^۱.

حال سوال اینجاست که ریشه عدالت‌خواهی که مقدمه اقامه عدالت است در کجاست؟ ریشه عدالت‌خواهی، عبودیت و توجه به معنویت است. دلسوزی نوع بشر که نوعی جلوه رحمانیت الهی است، زمینه‌ساز تحقق عدالت است. دوم اینکه از مسیر عدالت اجتماعی و جامعه سالم است که طی مراحل تکاملی عدل در مقام فرد میسر است. به طوری که اقامه عدل واقعی یعنی درست کردن انسان‌ها و متحول کردن ظالم به عادل و مشرک به مومن می‌باشد. امام خمینی در این زمینه معتقدند:

«انبیاء همه آمدند آدم را درست کنند. یک نبی‌ای نیامده است که مقصدش این معنا نباشد که انسان را اصلاح کند. اقامه عدل، همین درست کردن انسان‌هاست. عدل، یک چیزی نیست الا آنکه از انسان صادر می‌شود؛ ظلم هم آن است که از انسان صادر می‌شود. اقامه عدل، متحول کردن ظالم به عادل است، متحول کردن مشرک به مومن است. نبی متحول می‌کند یک موجودی را که اگر ره‌ایش بکنند به هاویه می‌رود و به جهنم منتهی می‌شود؛ به یک موجودی که راه را به او می‌نمایند که این راه است»^۲.

بنابراین معنویت به عنوان یک زیر ساخت مقدماتی، رکن و لازمه اقامه عدالت است و تمام لوازم معنویت از قبیل عبادات و انجام ظواهر شریعت را طلب می‌کند. از این منظر اولاً اقامه عدالت بدون معنویت میسر نیست و از سوی دیگر متذکر می‌شود که معنویت حقیقی حتماً به عدالت‌خواهی و اقامه عدالت منجر می‌شود. پس عرفان‌های گوشه‌نشین مردود و عدالت‌خواهان متهتک و متجاهر، توخالی خواهند بود. پس معنویت حقیقی توأم با مصائب، سختی و تلاش است. امام خمینی (ره) می‌فرمایند:

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ پنجم ۱۳۸۹، ص ۱۳۵.
 ۲. امام خمینی (ره)، نبوت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶.

«این‌هایی که به خیال خودشان از دعا و ذکر و امثال اینها مردم را پرهیز می‌دهند که بچسبند این مردم به دنیا، این‌ها هم نمی‌دانند قصه چیست، این‌ها نمی‌دانند که همین دعا و همین چیزها آدم را می‌سازد، به طوری که با دنیا هم آن طوری که باید با آن رفتار کند، می‌کند. عدل را همین انبیایی که همه مصائب برای آن‌ها بود و اهل ذکر و فکر و همه چیز بودند، در دنیا اقامه کردند، به ضد ستمگرها قیام کردند؛ همان حسین ابن علی علیه السلام قیام کرد که دعای یوم العرفه‌اش را می‌بینید چیست. همان دعاها مبدا این طور مسائل می‌شود، همان توجهات به خدا. این ادعیه انسان را متوجه می‌کند به مبدا غیبی. اگر انسان درست بخواند، همان توجه به مبدا غیبی، موجب این می‌شود که انسان علایقش به خودش کم بشود؛ و این نه مانع از فعالیت است؛ نه خیر، این فعالیت هم می‌آورد، لکن فعالیت برای خودش نیست. می‌فهمد که باید فعالیت کند برای بندگان خدا؛ خدمت به خداست»^۱.

عقلانیت

در تبیین اندیشه عدالت حضرت امام (ره) و نیز چارچوب اندیشه‌ای ایشان، سه عنصر «عدالت، عقلانیت و معنویت» حائز اهمیت بسیاری است و فقدان هر یک از این عناصر، سبب نقصان اندیشه عدالت از منظر ایشان می‌گردد. در اندیشه حضرت امام (ره) معنویت بدون مبارزه و اهتمام به امور مسلمین که همان سیاست هست، بی‌معناست. امام خمینی می‌فرمایند:

«باید اهتمام به امر مسلمین داشته باشیم. اهتمام به امر مسلمین این نیست که من بروم نماز بخوانم و اقتدا کنم؛ اینکه امر مسلمین نیست، این امر خداست. امور مسلمین عبارت از امور سیاسی و اجتماعی مسلمین است. تمام انبیاء از صدر بشر و بشریت، از آن وقتی که آدم علیه السلام آمده تا خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله تمام انبیاء برای این بوده است

۱. امام خمینی (ره)، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی ره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ص ۱۰۱.

که جامعه را اصلاح کنند؛ فرد را فدای جامعه می‌کردند. ما فردی بالاتر از خود انبیاء نداریم. ما فردی بالاتر از ائمه نداریم. این فردها خودشان را فدا می‌کردند برای جامعه. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آن‌ها دادیم، آیات به آن‌ها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم «لیقوم الناس بالقسط»^۱ غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم‌ها از بین برود، ستمگری‌ها از بین برود، ضعفا به آن‌ها رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود. دنبالش هم می‌فرماید: «و انزلنا الحديد». تناسب این چیست؟ تناسب این است که با حدید باید این‌ها انجام بگیرد؛ با بینات، با میزان و با حدید. «فیه باس شدید» یعنی، اگر شخصی یا گروهی بخواهند یک جامعه را تباه کنند، یک حکومتی را که حکومت عدل است تباه کنند، با بینات باید با آن‌ها صحبت کرد. نشینند، با موازین، موازین عقلی صحبت کرد. نشینند با حدید»^۲.

به نظر می‌رسد وجه جمع بین معنویت و عدالت را باید در تجلی نگاه تعدیل قوای فردی در نگاه به حکومت دانست. حضرت امام نگاه خویش در عدالت اخلاقی را به نوعی به صورت تولیدی در عرصه اجتماعی دنبال می‌کنند. ایشان در این‌باره می‌فرمایند:

«برای مومن همه قوا تابع قوه عقل شدند که عقل هم تابع شرع است. برای یک همچو حکومتی که حکومت عقل است، حکومت عدل است، حکومت الهی است، در رفتنش عزا لازم است و در برقراری‌اش برای همان چند سال حکومت حضرت امیر، مسلمین باید جشن بگیرند»^۳.

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۴۰.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۱۳.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، ص ۳۶۳.

فرد، جامعه و حکومتی که قوه عاقله بر آن حاکم است در تعادل بین معنویت و عدالت اخص قرار دارد که این تعادل همان عدالت اعم اجتماعی است و در آن، معنویت در کنار مبارزه تعریف می‌شود. از این مسیر، ضرورت وجود حکومت و عنصر جهاد، توجیه می‌شود. حضرت امام می‌فرمایند:

«قرآن دعوت به معنویات تا حدی که بشر می‌تواند به او برسد و فوق او کرده و بعد هم اقامه عدل. پیغمبر هم و سایر کسانی که لسان وحی بودند، آن‌ها هم این دو رویه را داشتند. خود پیغمبر هم عملش اینطور بود تا آن روزی که حکومت تشکیل نداده بود، معنویات را تقویت می‌کرد. به مجرد اینکه توانست حکومت تشکیل بدهد علاوه بر معنویت اقامه عدل کرد، حکومت تشکیل داد و این مستمندان را از زیر بار ستمگران تا آن وقت که اقتضا داشت وقت، نجات داد؛ و این سیره مستمره انبیاء، باید کسانی که خودشان را تابع انبیاء می‌دانند این سیره مستمره باقی باشد. هم جهات معنوی که اشخاصی که با معنویات آشنا هستند، آنها باید تقویت بکنند و همه مردم را، خود مردم هم همینطور، جهات معنویات را تقویت بکنند و هم آن مسئله دوم که اقامه عدل است. حکومت اسلام باید اقامه عدل بکند در عین حالی که معنویات را تصحیح می‌کند و ترویج می‌کند؛ و ما اگر تابع اسلام هستیم و تابع انبیاء هستیم این سیره مستمره انبیاء بوده است و اگر تا ابد هم فرض کنید انبیاء بیایند باز همین است، باز جهات معنوی بشر تا آن اندازه‌ای که بشر لایق است و ادامه اقامه عدل در بین بشر و کوتاه کردن دست ستمکاران؛ و ما باید این دو امر را تقویت کنیم»^۱.

بنابر فرمایشات حضرت امام(ره) ضرورت وجود حکومت و عنصر جهاد در اقامه عدالت اجتماعی روشن می‌گردد؛ یعنی برای تحقق عدالت در جامعه نیاز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه نمایان می‌گردد.

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۵۲۹.

ضرورت وجود حکومت و عنصر جهاد در اقامه عدالت در اندیشه امام خمینی

جایگاه حکومت در اندیشه دینی به جهت اینکه اصالت نداشته، طبیعتاً باید متعلق امری باشد. این امر، احکام اسلامی هستند. مطابق آن چه در تعریف عدالت اجتماعی به نظم اجتماعی عادلانه در جهت تهذیب انسانی توضیح داده شد، از آن جا که احکام اسلامی در نهایت حد اجتماعی خود هستند و این احکام صرفاً در یک نظم اجتماعی خاص، امکان اقامه دارند، لذا ظهور عنصر مقتدری به نام حکومت اسلامی، ضامن اقامه احکام در درون جامعه اسلامی و حافظ آن در مواجهه با دشمنان این جامعه و نظم آن خواهد بود. از این رو جهاد با مستکبرین و طواغیت بیرونی و درونی ضرورتی انکارناپذیر در اندیشه حضرت امام خواهد بود که تشکیل حکومت اسلامی و استقرار حکومت عدل، مقدمه آن است. در این تشکیلات، بر اساس آنچه در رابطه عدالت و معنویت ذکر شد، ضرورت حکومت ولایت الهی و به تبع ولایت فقیه در الگوی مردم سالاری دینی که بار این حکومت را بر دوش دارند، اثبات می شود.

ضرورت حکومت به تبع حکومت اسلامی و ضرورت دوام حکومت اسلامی به تبع دائمی بودن احکام اسلامی، این چنین در بیان ایشان منعکس شده است: «ابتناء اسلام بر حکومت و لزوم تشکیل آن است؛ یعنی بدون حکومت، امکان اقامه احکام اسلام نیست. امروز همه فهمیده اند این را، مگر آنهایی که خودشان را به نفهمی می زنند و آنهایی که مغزهایشان خشک است که نمی فهمند هیچ چیز را که این مسئله دخالت در امور سیاسی از بالاترین مسائلی است که انبیاء برای او آمده بودند. قیام بالقسط و مردم را به قسط وارد کردن مگر می شود بدون دخالت در امور سیاسی؟ مگر امکان دارد بدون دخالت در سیاست و دخالت در امور اجتماعی و در احتیاجات ملت ها، کسی بدون اینکه دخالت کند، قیام به قسط باشد؟ ليقوم الناس بالقسط باشد؟»^۱

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۱۵.

حضرت امام خمینی (ره) در موارد دیگری هم به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و پس از ایشان در زمان ما بیاناتی داشته اند، بر این اساس، برقراری حکومت در درجه اول بر عهده انبیاء بوده است و هدف انبیاء در طول نیل به توحید، اقامه قسط توسط مردم و تشکیل نظام اجتماعی عادلانه برای حکومت بر صراط مستقیم تعریف شده است. در اندیشه ایشان فقها نیز به تبع ولایت حکومتی انبیاء و اوصیاء، عهده دار اقامه احکام اسلامی و حکومت داری خواهند بود. البته ایشان وصی بلافضل را حضرت امیر علیه السلام و بعد از او ائمه معصومین می دانند و اعتقاد دارند امور مردم به آنان محول شده است، ولی ایشان دایره مفهوم «وصی نبی» را موسّع دانسته و قائلند فقها را هم شامل می شود.

همانگونه که بیان شد، صرفاً بیان و ابلاغ وحی، تشکیل حکومت یا حکومت حاکمان عدل، کفایت نمی کند بلکه مسئله جهاد و مبارزه با طواغیت و مستکبران اولویت اصلی حکومت اسلامی است. گرچه نفس تشکیل حکومت اسلامی، خود اولین پایه های نفی طاغوت است اما تا استقرار تام عدالت، تلاشی بی امان در مبارزه برای حکومت اسلامی وجود دارد. چنانکه حکومت باید از حداکثر توان خود در این محور استفاده کند، چرا که کیان نظام اسلامی در خطر خواهد بود. به عنوان نمونه حضرت امام مبتنی بر نگاه جمع معنویت و عدالت و نیز نگاه اجتماعی به احکام اسلامی، مقوله «حج» را علاوه بر معنویت برای قیام به عدل و قسط معرفی می کنند:

«اکنون که حجاج بیت الله الحرام از خانه تن و دنیا مهاجرت الی الله و رسوله که خانه دل است، می کنند و همه چیز جز محبوب حقیقی در ورای آنان است بلکه چیزی جز او نیست که درون و برون داشته باشد، باید بدانند که «حج ابراهیمی محمدی صلی الله علیه و آله سال هاست غریب و مهجور است، هم از جهات معنوی و عرفانی و هم از جهات سیاسی و اجتماعی؛ و حجاج عزیز تمامی کشورهای اسلامی باید بیت خدا را در همه ابعادش از این غربت درآورند، اسرار عرفانی و معنوی اش به عهده عرفای

غیرمحبوب؛ و ما اینک با بعد سیاسی و اجتماعی آن سروکار داریم که باید گفت فرسنگ‌ها از آن دوریم. ما مامور به جبران مافات هستیم. این کنگره سراپا سیاست که به دعوت ابراهیم و محمد برپا می‌شود و از هر گوشه دنیا و از هر فج عمیق در آن اجتماع می‌کنند، برای منافع «ناس» است و قیام به قسط است و در ادامه بت شکنی‌های ابراهیم و محمد است و طاغوت شکنی‌ها و فرعون زدودن‌های موسی است؛ و کدام بت به پایه شیطان بزرگ و بت‌ها و طاغوت‌های جهان‌خوار می‌رسد که همه مستضعفان جهان را به سجده خود و ستایش خویش فرا خوانند و همه بندگان آزاد خدای تعالی را بنده فرمانبردار خویش دانند؟^۱

به عقیده حضرت امام، به واسطه عدالت است که اقامه نماز، صوم، حج و... می‌شود، چرا که استقرار عدالت یعنی محیط صحیح و سالم برای اینکه آن سیر الی الله طی شود. این امر اقتضای نفی هر نوع طاغوت و نظام جور را دارد. نفی استبداد داخلی و لزوم استقلال خارجی اولین گام در جهت اقامه عدالت است. از این رو، جهاد با طواغیت که هم مانع حرکت جامعه اسلامی هستند، هم خود داخل در امت ایمانی نمی‌شوند و هم اینکه مانع ورود دیگران به این جامعه هستند، از اوجب واجبات است و بدون حکومت عدل، امکان تحقق اسلام و احکام عدل پرور آن نیست.

مهم‌ترین چیزی که جهاد را در مسیر اقامه عدل، واجب می‌سازد، لزوم استقلال روحی از بیگانه و طاغوت است که اصلی‌ترین مسیر سلطه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بر یک ملت محسوب می‌شود. لذا مراتب این استقلال از انکار قلبی ظلم و طاغوت تا استقرار کامل حکومت عدل الهی دارای طیف است. مبارزه با حکومت طاغوت از ابراز تنفر شروع شده تا نهایتش که استقرار حکومت عدل اسلامی باشد. این مراقبت نسبت به دشمن همواره در نگاه حضرت امام وجود دارد؛ چه طاغوت داخلی و چه استکبار خارجی.

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۸۹.

بنابراین مصداق تام تولی و تبری در برپایی حکومت عدل و ولایت و مبارزه با طاغوت و ظلم است. امام اشاره دارند که احکام اسلام عدالت پرور است و بدون حکومت اسلامی عدالتخواه، امکان تحقق اسلام و احکام آن میسر نیست. پس از استقرار حکومت اسلامی نیز تقویت آن هم از اهم موارد است که به نحوی اول حکومت را باید اصلاح کرد و بعد سایر فروع آن باید اصلاح شوند. از اینرو برپایی حکومت عدل از اعظم عبادات به شمار می‌رود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

با توجه به اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) به وضوح رابطه بین معنویت و عدالت و عقلانیت روشن می‌گردد. بحث عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) بحثی فارغ از سایر ابعاد اندیشه‌ای ایشان نیست. این نگاه، کاملاً مبنایی برگرفته از مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی فلسفی-عرفانی است. از این رو نگاه عرفانی-فلسفی ایشان، به شدت حاکم بر تقریر مفهوم عدالت به صورت کلی و عدالت اجتماعی به صورت خاص هست. از سوی دیگر قرار گرفتن در مقام فقیه جامع الشرایط و رهبر حکومت اسلامی در مقام تاسیس و تثبیت نظام اسلامی، مباحث عدالت را در مقام کاربرد کشانده است. در نگاه ایشان، عدالت متناسب با مراتب عالم از ذات احدیت تا انتهای مرتبه اجتماع انسانی حاضر است و مسیر اجتماع انسانی در این مراتب بر صراط مستقیم باید به سمت ذات او رجعت کنند. از این رو عدالت به عدالت الهی و تکوینی، عدالت فردی و عدالت اجتماعی تقسیم می‌شود. عدالت در مقام فرد نیز از مقام استقامت مطلقه اسمائی نبی مکرم اسلام ﷺ تا عدالت اخلاقی امتداد یافته است. در آثار مکتوب ایشان بیشتر بر عدالت الهی، تکوینی و فردی تاکید می‌شود و در بیانات بر عدالت اجتماعی، آنچه در اندیشه ایشان واضح است، رابطه توحیدی این مراتب با یکدیگر است که امکان این ادعا را فراهم ساخته است که بگوییم، ایشان در بحث عدالت دارای یک نظام فکری منسجم، با رویکردی فلسفی-عرفانی هستند که جامع توجه به فرد و جامعه می‌باشد؛ بنابراین طرح و بررسی مسئله عدالت در اندیشه ایشان، بدون توجه به مبانی و نظام فکری توحیدی‌شان، قطعاً ابر خواهد بود. حضرت امام خمینی (ره) جهت پوشش شکاف بین عدالت فردی یا همان معنویت و عدالت اجتماعی، عقلانیت را مطرح می‌سازند. عقلانیت ایشان مبتنی بر مسئله جهاد، استکبار ستیزی، نفی طواغیت و در نهایت طیف تشکیل و استقرار حکومت اسلامی است. در نگاه ایشان حفظ کیان جامعه اسلامی در اولویت توجه ایشان قرار می‌گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. جمشیدی، محمدحسین، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، پژوهش‌کنده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲. خمینی(ره)، روح الله، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی(ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸.
۳. خمینی(ره)، روح الله، تفسیر سوره حمد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۲.
۴. خمینی(ره)، روح الله، سرالصلاه معراج السالکین و صلوه العارفين، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۶۸.
۵. خمینی(ره)، روح الله، شرح دعای سحر، ترجمه احمد فهري، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
۶. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور جلد ۱۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۰.
۷. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد ۱۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۸. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد ۱۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۹. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد ۱۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۱۰. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۱۱. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد ۲۰، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۱۲. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد ۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۱۳. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد ۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۱۴. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد ۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۱۵. خمینی(ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد ۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۱۶. خمینی(ره)، روح الله، کتاب البیع، انتشارات اسماعیلیان، جلد ۲، ۱۳۶۳.
۱۷. خمینی(ره)، روح الله، کتاب شرح چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱.
۱۸. خمینی(ره)، روح الله، کتاب طلب و اراده، علمی فرهنگی، ۱۳۹۱.
۱۹. خمینی(ره)، روح الله، کتاب عدل الهی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۹۲.
۲۰. خمینی(ره)، روح الله، نبوت از دیدگاه امام خمینی(ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.
۲۱. قاضی زاده، کاظم، اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی(ره)، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۳.